

آموزش یا مجازات، حساسیت‌زایی یا حساسیت‌زدایی نسبت به خشونت خانگی

Photo: lucidwaters/depositphotos.com

مهدیس صادقی پویا

مقدمه

یک راهکار مقابله با افزایش خشونت در جامعه در برهه‌ای که خشن بودن به جای تقبیح بیشتر، چاشنی هیجان‌انگیز تبلیغات و سرگرمی می‌شود و بدین شکل در تمام ابعاد زندگی انسانی ما، بدون آن که از آن مطلع باشیم ریشه می‌دواند، می‌تواند تشدید مجازات و اجرای آن بدون کم و کاست و عفو و بخشش باشد.

اما خشونت در نوع خانگی آن، کنش یا واکنشی فردی است که از سوی یک یا چند نفر محدود علیه نفر یا نفرات محدود دیگری اعمال می‌شود و عموماً نقش خشونت‌گر و خشونت‌دیده در روابط انسانی، نقشی مطلق نیست و مجازات هم همسو این عمل - به عنوان پاسخی قهرآمیز - فردگرایانه تعریف می‌شود.

قانون‌گذاران اما سودای تعریف و اجرای قوانینی را دارند که جامعه را تحت پوشش قرار دهند، در حالی که در سیستم‌های قانون‌گذاری، راهکارهای به واقع جمع‌گرایانه و نه قهرآمیز، همانند آموزش، اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرند.

مجازات و حساسیت‌زدایی از خشونت خانگی

خشونت خانگی، آن طور که از عنوانش آشکار است، خشونتی است که در روابط میان فردی، چه خویشاوند نسبی، چه بستگان سببی و چه افرادی که بدون هیچ گونه ثبت رسمی و قانونی یا رابطه خونی در بستر روابط انسانی با یک‌دیگر در سپهر خصوصی، یا همان خانه و خانواده زندگی می‌کنند، اتفاق می‌افتد.

به نظر می‌رسد این روابط اگرچه می‌تواند به عنوان چارچوب اولیه «صمیمیت» در زندگی خصوصی افراد تعریف شود، اما به سبب وجود عنصر هم‌زیستی، ظرفیت خارق‌العاده‌ای نیز در ایجاد تنش و پرخاش میان افراد ایجاد می‌کند.

عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.

در هم تنیدگی عواطف مثبت و منفی انسان‌ها در بستر هم‌زیستیشان، همان عنصری است که می‌تواند «خشونت» را به رفتاری قابل توجهی بدل کرده و آن را از ابعاد رفتاری هوشمندانه و هوشیارانه که عمدی و در راستای آسیب زدن به جسم و روان افراد اتفاق می‌افتد، تبدیل به کنش و واکنشی روزمره کند که کنشگر یا واکنشگر آن به معنای آن چه انجام می‌دهد، آگاه نیست یا کمتر آگاه است.

به همین دلیل است که مجازات به معنای پاسخی به خشونت صورت گرفته که شاید اندازه آن در باور خشونت‌گر نمی‌گنجد - چرا که در حریم خصوصی و پشت درهای بسته‌ای اتفاق می‌افتد که قوای قهریه و پلیس نظارت همیشگی بر آن ندارند و عمدتاً به سبب نزدیکی‌های خانوادگی و رابطه‌ای، مورد چشم‌پوشی واقع می‌شود - نمی‌تواند راه حلی عمقی‌نگرانه و آینده‌بینانه باشد.

خشونت در پاسخ به خشونت در قالب روابط اجتماعی انسانی به تثبیت تهي شدن کنش خشن از معنا انجامیده و خشونت را قابل تحمل می‌سازد.

آموزش و حساسیت‌زایی نسبت به خشونت خانگی

در مقابل راهکار فردگرایانه مجازات، آموزش درباره معنا و مفهوم خشونت، تعریف انواع آن و صحبت کردن و گفت‌وگو درباره زمینه‌هایی که می‌تواند خشونت را به وجود بیاورد و علل و دلایل آن، راهکاری جمع‌گرایانه به نظر می‌رسد. راه حلی که گرچه برای جوامع و نهادهای مربوط، پرهزینه‌تر و زمان‌برتر از اجرای مجازات خواهد بود، اما می‌تواند منجر به کاهش خشونت و بالاخص خشونت خانگی و هزینه‌های روانی - اجتماعی فرساینده آن در بازه زمانی بلندتر شود.

نگاهی به آمار خشونت خانگی در جوامعی که نقش آموزش به افراد و گروه‌های اجتماعیشان پررنگ‌تر است، نشان می‌دهد حساسیت اجتماعی نسبت به آنچه خشونت علیه دیگری محسوب می‌شود، جایگاه بالاتری نسبت به جوامعی دارد که خشونت خانگی در آنان، چه به سبب ساختار سنتی یا جامعه مذهبی یا وجود قوانین بر پایه مذهب، توجیه شده و گاهی حتی سفارش شده است.

بیشتر بخوانید:

آیا صرف حمایت از خشونت دیده کافی است؟ (بخش اول)

خشونتی به نام محبت

مواد، الکل، خشونت

این خشونت البته که نه صرفاً خشونت جسمی (مانند کتک زدن همسر و فرزندان و شریک زندگی)، بلکه شامل خشونت روانی (مانند قهر کردن طولانی مدت) یا خشونت اقتصادی (مانند قطع حمایت مادی از وابستگان مالی هم‌چون فرزندان) است.

در چنین ساختاری، خشونت نه یک عمل انسان‌ستیزانه، بلکه یک «راه حل» تعریف می‌شود. راه حلی که هم‌زمان دربرگیرنده سلطه، کنترل، تهدید و تحدید است. آنچه که می‌تواند پادزهر چنین تعریف زهرآلودی و موزیانه‌ای از خشونت باشد، پیش از هر چیز آموزش به افراد جامعه در این باره است که: خشونت چیست، چگونه اتفاق می‌افتد و چطور می‌توان با آن مقابله کرد؟

اهداف و روش‌های آموزش

امروزه آموزش درباره خشونت نه تنها یک «درمان» بلندمدت و آینده‌اندیشانه، بلکه مهم‌تر، نوعی «پیشگیری» محسوب می‌شود.

گروه‌های داوطلب، سازمان‌های غیر دولتی و انجمن‌هایی که هم‌اکنون در راستای آگاهی‌رسانی درباره خشونت خانگی نسبت به هر جنس و جنسیتی و در باره هر مقوله تشنج‌آمیزی، در قالب‌های مختلف آموزشی (هم‌چون برقراری کارگاه‌های آموزشی توسط متخصصان) فعالیت می‌کنند، تمرکز خود را بر پیشگیری از اعمال خشونت به جای تحمل و پذیرش آن گذاشته و مخاطبان خویش را نسبت به تأثیراتی که خشونت خانگی روی طرفین روابط انسانی می‌گذارد، آگاه می‌کنند.

این آموزش لزوماً بسیار پیش یا پس از اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز ارائه نمی‌شود و حتی در بسیاری موارد، افراد آموزش می‌بینند که در زمان احساس «خشم» که عنصر محرک اعمال خشونت است، به صورت داوطلبانه از این آموزش‌ها استفاده کنند.

یکی دیگر از این روش‌ها در راستای آگاه‌سازی درباره خشونت، تلفن‌های یاری‌رسانی است که افراد با برقراری تماس با آن‌ها می‌توانند با متخصصان ارتباط برقرار کرده و پیش از آن که دست به خشونت بزنند یا هنگامی که احساس می‌کنند در معرض دریافت خشونت هستند، در این باره مشورت کنند.

خوشبختانه این روش سال‌هاست که در ایران نیز وجود دارد.

با نگاهی به «جعبه ابزار» بسیاری از این نهادهای آموزشی در باب خشونت خانگی، می‌توان اهداف مشترکی را برای این گونه آموزش‌ها یافت. اهدافی چون:

- های مربوط به آن در حریم خصوصی فرض و پیش «قدرت» به چالش کشیدن مفهوم
- چگونگی مدیریت احساسات و پذیرش مسئولیت رفتارها و عواطف خود
- تلاش برای حل و فصل درگیری‌های خانگی و شخصی
- کمک به افراد به منظور تمیز روابط آسیب‌زا و روابط سالم
- «خشونت، قابل تحمل نیست» تأکید مکرر بر این نکته که
- «ورزی، جرم است خشونت» کمک به نوجوانان و جوانان برای فهم این نکته که
- آموزش افراد در معرض خشونت، مبنی بر چگونگی دریافت کمک در زمان‌های لازم و اضطراری

....و

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مختصر ارائه شده، به نظر می‌رسد می‌توان ادعا کرد به منظور درمان تمایل به خشونت‌ورزی یا عادت به تحمل خشونت خانگی، درخواست مجازات‌های حداکثری، راهکاری کوتاه‌مدت و البته در خدمت به «عادی‌سازی» خشونت است.

از آن‌جا که در اغلب قوانین جزایی کشورها، خشونت خانگی انواع و اقسام متعددی دارد و تعریف یک مجموعه کامل و جامع از آن با توجه به ساختار فرهنگی جامعه دشوار است (برای مثال در جوامع مردسالار و هم‌زمان مذهبی، افراد در حریم خصوصی از تبعیض‌های مختلف به خصوص تبعیض جنسی و جنسیتی رنج می‌برند) و همچنین از آن‌جا که «خشونت، راه دفاع از آزادی نیست»، نمی‌توان به «مجازات» به چشم یک گره‌گشایی پایدار نگریست.

تغییر چشم‌انداز افراد جامعه به این‌که چه زمانی دست به خشونت زده‌اند و چه زمانی در معرض خشونت قرار گرفته‌اند، نیازمند آموزش افراد آن جامعه و بالا بردن حساسیت‌گیرنده‌های آنان نسبت به خشونت است.